

فهرست

- ۳ بخش اول: عوامل ایجاد کننده و رشد شخصیت
- ۴ فصل اول: مقدمات و تعاریف
- ۸ فصل دوم: عوامل به وجود آورنده شخصیت
- ۱۴ فصل سوم: رشد شخصیت
- ۳۱ بخش دوم: نظریه‌های شخصیت
- ۳۲ فصل چهارم: نظریه‌های روانکاوانه
- ۵۳ فصل پنجم: نظریه‌های نوروانکاوی یا نوفروردی
- ۶۶ فصل ششم: نظریه‌های شناختی
- ۷۴ فصل هفتم: نظریه‌های تیپ شناختی شخصیت
- ۸۱ فصل هشتم: نظریه‌های تحلیل عاملی
- ۹۳ فصل نهم: نظریه‌های بشر دوستانه (انسان‌گرایانه)
- ۱۰۳ فصل دهم: نظریه یادگیری اجتماعی
- ۱۲۰ فصل یازدهم: دیدگاه التقاطی و انگیزشی شخصیت

- ۱۳۶ فصل دوازدهم: اختلال‌های شخصیت
- ۱۶۰ فصل سیزدهم: اختلالات شخصیت
- ۱۶۹ فصل چهاردهم: سنجش شخصیت

بخش ۱

تعریف، عوامل ایجادکننده و رشد شخصیت

فصل اول: مقدمات و تعاریف

از نظر ریشه‌ای کلمه شخصیت معادل کلمه Personality انگلیسی یا Personalit'e فرانسه است در حقیقت از ریشه لاتین Persona گرفته شده که به معنی نقاب یا ماسکی بود که در یونان و روم قدیم بازیگران تئاتر به چهره می‌گذاشتند.

شخصیت مجموعه تفکیک‌ناپذیر آن خصایص بدنی و نفسانی است که شناخته و دوستان نزدیک شخص یا ماسکی است که فرد برای سازش با محیط که در حقیقت نوعی بازیگری در صحنه زندگی است به چهره خود نهاده است. (شخصیت از دیدگاه مکاتب، ایزدی)

شخصیت سازمان پویای جنبه‌های ادراکی و انفعالی و ارادی و بدنی (شکل بدن و اعمال حیاتی بدن) فرد آدمی است. (شلدون)

شخصیت مجموعه‌ای پایدار از ویژگی‌ها و گرایش‌ها است که مشابهت و تفاوت‌های رفتار روان‌شناختی افراد (افکار، احساسات و اعمال) را که دارای تداوم زمانی بوده و ممکن است به واسطه فشارهای اجتماعی و

زیست شناختی موقعیت‌های بلاواسطه شناخته شوند یا به آسانی درک نشوند مشخص می‌کند. (نظریه‌های شخصیت، مدّی)

شخصیت الگویی از رفتار اجتماعی و روابط اجتماعی متقابل است؛ بنابراین شخصیت یک فرد مجموعه راه‌هایی است که او نوعاً نسبت به دیگران واکنش یا با آنها تعامل می‌کند. (فرگوسن)

شخصیت هر فرد همان الگوی کلی یا همسازی ساختمان بدنی، رفتار، علایق، استعدادها، توانایی‌ها، گرایش‌ها و صفات دیگر اوست. پس منظور از شخصیت، کل خصوصیات و صفات فرد است. (اصول روان‌شناسی، مان) شخصیت الگوهای رفتار و شیوه‌های تفکر است که سازگاری فرد با محیط را تعیین می‌کنند. (آتکینسون و هیلگارد)

همه تعریف‌های فوق اولاً به یک رشته از ویژگی‌ها و خصوصیات جسمی و روانی اشاره دارند. ثانیاً در همه تعریف‌ها به مسأله تمایز، افتراق و مشخص کردن فرد

از افراد دیگر به‌طور صریح یا تلویحی اشاره شده است. شخصیت مجموعه ویژگی‌های جسمی، روانی و رفتاری است که هر فرد را از افراد دیگر متمایز می‌کند. این تعریف حاوی ویژگی‌های مشترک تعریف‌های ذکر شده است.

ضرورت و فایده مطالعه روان‌شناسی شخصیت

شناخت شخصیت از یک جنبه ارضای حس کنجکاوی و میل به حقیقت‌جویی را در انسان به دنبال دارد. از سوی دیگر این شناخت‌ها و اطلاعات به شخص امکان می‌دهد که در ارتباط متقابل با دیگران موضع‌گیری‌های مناسب و آگاهانه داشته باشد. هم‌چنین این دانش در پیش‌گیری یا اقدام احتمالی در مورد بروز اختلالات و نابسامانی‌های شخصیتی نیز می‌تواند به کمک فرد بیاید.

فصل دوم: عوامل به وجود آورنده شخصیت

چون شخصیت مجموعه ویژگی‌های جسمی، روانی، عاطفی و اجتماعی در افراد است؛ پس آنچه به وجود آورنده این ویژگی‌ها به‌شمار می‌آید، شخصیت نامیده می‌شود. بخش اول یعنی ویژگی‌های جسمی، ساخته وراثت و بخش دیگر زاییده عوامل اجتماعی یا محیط است.

وراثت

ژنتیک و انتقال صفات

از لحظه‌ای که یک اسپرماتوزوئید (سلول جنسی نر) با یک اووم (سلول جنسی ماده) در جریان عمل لقاح ترکیب می‌شود، نخستین سنگ بنای شخصیت فرد گذاشته می‌شود. در جریان این ترکیب رشته‌های باریکی نیز از هر دو سلول در کنار هم قرار می‌گیرند به نام کروموزوم که حامل ذرات ریزی به نام ژن هستند. ژن‌ها ناقلان اصلی صفات ارثی والدین به فرزندان هستند. بر اثر زیاد بودن سن مادر در جفت ۲۱ کروموزوم‌ها به